



آقای محمود قزوینی

۸۷، ۲۷

کتابخانه	خطی
مجله‌های	
اسلامی	
۱۹-۱۲	





وَلَا تَكُن مِّنَ الْكَافِرِينَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْمُنَافِقِينَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْمُجْرِمِينَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِينَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْمُنٰفِقِيْنَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْمَجْرِمِيْنَ  
وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِيْنَ



۱۹۰۱۲  
۲۱۰۱۷۷



- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱
- ۲۲
- ۲۳
- ۲۴
- ۲۵
- ۲۶
- ۲۷
- ۲۸
- ۲۹
- ۳۰
- ۳۱
- ۳۲
- ۳۳
- ۳۴
- ۳۵
- ۳۶
- ۳۷
- ۳۸
- ۳۹
- ۴۰
- ۴۱
- ۴۲
- ۴۳
- ۴۴
- ۴۵
- ۴۶
- ۴۷
- ۴۸
- ۴۹
- ۵۰
- ۵۱
- ۵۲
- ۵۳
- ۵۴
- ۵۵
- ۵۶
- ۵۷
- ۵۸
- ۵۹
- ۶۰
- ۶۱
- ۶۲
- ۶۳
- ۶۴
- ۶۵
- ۶۶
- ۶۷
- ۶۸
- ۶۹
- ۷۰
- ۷۱
- ۷۲
- ۷۳
- ۷۴
- ۷۵
- ۷۶
- ۷۷
- ۷۸
- ۷۹
- ۸۰
- ۸۱
- ۸۲
- ۸۳
- ۸۴
- ۸۵
- ۸۶
- ۸۷
- ۸۸
- ۸۹
- ۹۰
- ۹۱
- ۹۲
- ۹۳
- ۹۴
- ۹۵
- ۹۶
- ۹۷
- ۹۸
- ۹۹
- ۱۰۰

خطی  
مجلس شورای  
اسلامی  
۱۹۰۱۲



































































[illegible]

72

[illegible]

15

[illegible]







[illegible][illegible]



































[illegible]



















[illegible]

129

[illegible]















[illegible]

۱۰۰

[illegible]



































[illegible][illegible]











[illegible][illegible]







































































































































































[illegible][illegible]















































































با سركه و در كنار اجالت  
 بپاشند و مریون نماید با اذن  
 مالك صاحب آنرا بپاشند از زمین و از هر  
 كند بر این و آن در بگذرد  
 و آن تنگ منقسط منقسط معلوم است و تنگ عین لغوین عین معلوم و با  
 از عقد لازم است از طرف موجب او قابل سرد و منقح و باطل شود با قیام و منقح  
 کردن و باطل میشود و باطل میشود و در حق لایق باشد از جهت این که منقح است و منقح است  
 میشود و در سید مرتضی عقد ابراهیم و در حق لایق باشد از جهت این که منقح است و منقح است  
 و در آن در دست است با بابت است اگر نوشته و یا تغییر حاصل نیست آنرا از آن قضا فی و در حق  
 داده اند و در دست است با بابت است اگر نوشته و یا تغییر حاصل نیست آنرا از آن قضا فی و در حق  
 در آن بود و حاصل آن بر نیفتد و الا بتغییر شرط آن است اگر عقد کند کمال اجاره  
 که بر فتنه باشند اگر عقد با منقح معلوم الله باشد یا یکی یا بزرگ عینا اگر کمال اجاره  
 نماید کافیت و اگر چه از حق کمال معلوم است که اگر از آن باشد و کمال اجاره  
 که در زمان حال بدیهه و خود هیچ شرط  
 نشد باشد و محبت

بر منقح

با شستن آن عوارض باشد  
 منقح با یکدیگر عینا بپاشند و منقح  
 و اگر کسی با بار و دیگر که منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 غایب در وقت معلوم با جرت است با بار و دیگر که منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 وقت نقل کند که اگر از آن اجرت است و منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 از اجرت غریبا نماید که لازم الاجرا باشد و منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 که منقح باشد یا یکی که منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 بدیهه که اگر منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 و منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 یکسال تمام منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 بدیهه که اگر منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 از آن معلوم است و منقح است و منقح است و منقح است و منقح است  
 تا مدت مبر آید



























































بچه که عقد نمائید  
اگر این کات بوده جهتیار از این  
دارد و هر که دم را خود او داده نماید و دیگر بچه  
و اگر مرد و کسب کند که عقد کند که باقی خود عقد نماید  
درست و لاحق علی و اگر لاحق کرده باشد و اینست که از دایه گرفت و باطل است  
و بعد از عقد و ثبوت اولی و کرده میشود و زن را کای می از دایه گرفت و باطل است  
در دایه اگر کسب باقی بوده و مرد و باطل است و دایه است که اگر برای کسب خود زن  
مادر و کسب باقی بوده و زن و عقد و نکاح باطل میشود و در هر صورت و کای است  
اگر در عقد و اجاره نماید هیچ است اگر نکاح کند باطل میشود و در هر صورت و کای است  
با مادر از ثبوت و صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
خود کرده باشد که در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
عمران و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
معدود و کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه

و جهتیار از این  
بچه که عقد نمائید  
اگر این کات بوده جهتیار از این  
دارد و هر که دم را خود او داده نماید و دیگر بچه  
و اگر مرد و کسب کند که عقد کند که باقی خود عقد نماید  
درست و لاحق علی و اگر لاحق کرده باشد و اینست که از دایه گرفت و باطل است  
و بعد از عقد و ثبوت اولی و کرده میشود و زن را کای می از دایه گرفت و باطل است  
در دایه اگر کسب باقی بوده و مرد و باطل است و دایه است که اگر برای کسب خود زن  
مادر و کسب باقی بوده و زن و عقد و نکاح باطل میشود و در هر صورت و کای است  
اگر در عقد و اجاره نماید هیچ است اگر نکاح کند باطل میشود و در هر صورت و کای است  
با مادر از ثبوت و صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
خود کرده باشد که در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
عمران و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
معدود و کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه  
و اگر در دایه کسب کند در صورت و عقد و ثبوت و دایه پدر و مادر و کای است اگر در دایه























































































































































































و آن یک روز  
یک شل است و بهر یکی گوشت  
از این چرخ نه تخم از این چرخ نه و اگر تخم باشد  
حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
در حیوانات حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
گوشت است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
بفرز غایب و غفلت و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
طریق که در آن است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
شیر است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
آنست که هر چه در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
و بعد و خفت که چنان است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
چنانچه که در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
و مگر که است که اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
از مصلحت است که اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
چنانچه که در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
یا نه

مجموع

و آن یک روز  
یک شل است و بهر یکی گوشت  
از این چرخ نه تخم از این چرخ نه و اگر تخم باشد  
حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
در حیوانات حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
گوشت است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
بفرز غایب و غفلت و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
طریق که در آن است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
شیر است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
حلال است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
آنست که هر چه در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
و بعد و خفت که چنان است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
چنانچه که در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
و مگر که است که اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
از مصلحت است که اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
چنانچه که در دست است و اگر نه است حلال است از حیوانات است که حلال است  
یا نه















بهم بود باشد  
و از این آید چنانکه اگر از هر شکلی  
باشد تدریج آن باشد و چنانکه در اطلاق اسم  
که مثل از این چنانکه در اطلاق اسم  
بر خود در جهت که در این چنانکه در اطلاق اسم  
مختلف باشد چنانکه در اطلاق اسم  
روز غصب چنانکه در اطلاق اسم  
قول که نیست آید چنانکه در اطلاق اسم  
آن که نموده باشد چنانکه در اطلاق اسم  
در این غصب چنانکه در اطلاق اسم  
الایع باشد و بعد از غصب چنانکه در اطلاق اسم  
الایع قاضی الایع چنانکه در اطلاق اسم  
و در وقتیکه کسی که سر او را بکشد آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
از وقت معین که بعد از آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
و در وقتیکه کسی که سر او را بکشد آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
که در وقت معین که بعد از آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن

لذات

لذات  
فاسد شود و از آن وقت که در اطلاق اسم  
مقصود به این است که در اطلاق اسم  
باید که در جهت که در اطلاق اسم  
مختلف باشد چنانکه در اطلاق اسم  
روز غصب چنانکه در اطلاق اسم  
قول که نیست آید چنانکه در اطلاق اسم  
آن که نموده باشد چنانکه در اطلاق اسم  
در این غصب چنانکه در اطلاق اسم  
الایع باشد و بعد از غصب چنانکه در اطلاق اسم  
الایع قاضی الایع چنانکه در اطلاق اسم  
و در وقتیکه کسی که سر او را بکشد آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
از وقت معین که بعد از آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
و در وقتیکه کسی که سر او را بکشد آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن  
که در وقت معین که بعد از آن بدم را باز و بعد از آن وقت که هر که از آن

لذات







































21

[illegible]























































































































































[illegible][illegible]







































































والمسودات في  
الحدود والحدود  
قد وقع القياض  
شرفان العظمى  
كسيلة قبل العظمى  
برسم غفر

تصحيح  
ال

